

بسم الله الرحمن الرحيم

آیات الولایه

آیه بیست و پنجم - سوره مبارکه رعد- آیه شریفه ۷

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

و کسانی که کفر ورزیدند گویند: چرا بر او نشانه و معجزه ای (مانند ناقه صالح و عصای موسی و مائده عیسی) از پروردگارش فرو فرستاده نشده؟! جز این نیست که تو فقط بیم دهنده ای (و معجزه دست خداست نه به اختیار تو و نه به انتخاب آنها) و برای هر گروهی (از جامعه بشری) راهنمایی هست (پیامبری یا امام و رهبری است).

تفسیر اثنی عشری:

دیگر از انکارات آنها آنکه قرآن را معجزه نمی دانستند و می گفتند: این کتاب مانند سایر کتب مصنفه است، لذا از آن حضرت طلب معجزه می نمودند؛ حق تعالی بیان حال آنها را فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا: و می گویند آن کسانی که کافر شدند: لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ: چرا آیتی و دلالتی بر او فرود نمی آید از جانب پروردگارش تا حجت نبوت و دلیل صحت قول او باشد. معجزه حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم منحصر به قرآن نبوده، بلکه قریب به هزار معجزه از آن سرور صادر شده، و این معاندین تأمل و تفکر در آیات باهره ننموده، معجزات مقترحه (دلبخواهی) طلب می کردند مثل آیات موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام از عناد و لجاجی که داشتند.

تبصره: جهت ظاهر نشدن معجزات مقترحه آنکه: چون خدای متعال می دانست این جماعت کفار بحدی در طریقه کفر خود مصرّند که اگر آیات دلبخواهی آنها هم اتیان شود ایمان نخواهند آورد، و لازمه ایمان نیاوردن ایشان، نزول عذاب استیصال است، چنانچه در امم سابقه جاری شد. و چون حق تعالی بواسطه شرافت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم عذاب استیصال را از امت آن سرور برداشته، لذا این گونه درخواستها از راه لطف پذیرفته نشد. و ایضا اجرای این مرام موجب اختلال نظام گردد، زیرا وقتی خواهش یکی انجام یافت، دیگری به تقاضائی قیام نماید، و همچنین یکی بعد از دیگری؛ بنابراین سبب سقوط دعوت انبیاء، و نقض غرض، و تعطیل شرایع، و آن به بدیهه عقل باطل، و صدور آن از حکیم محال است. إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ: اینست و جز این نیست تو ای پیغمبر ترساننده و هادی هر قومی هستی و بر توست دعوت به ایمان و توحید، پس مهموم نگرداند تو را، انکار ایشان آیات منزله را و استهزاء آنان بینات الهیه را.

اقوال دیگر:

۱- منذر» پیغمبر و «هاد» خدای تعالی.

۲- منذر» پیغمبر و برای هر قومی نبی و داعی باشد که هدایت و ارشاد نماید آنها را.

۳- منذر» پیغمبر و مراد به «هاد» هر داعی به حق است.

۴- منذر» پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و «هاد» حضرت علی علیه السلام است چنانچه خاصه و عامه باتفاق روایت نموده. از جمله فخر رازی در تفسیر کبیر از ابن عباس، و حافظ ابو نعیم اصفهانی که از مشاهیر محدثان عامه است در کتاب «ما نزل من القرآن فی حق علی علیه السلام» به چندین سند روایت نموده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دست مبارک به سینه

خود گذارد و فرمود: «انا المنذر» بعد دست به شانه علی علیه السلام گذاشت فرمود: انت الهادی یا علیّ بک یهتدی المهتدون من بعدی یعنی توئی یا علی راهنمای امت و به تو هدایت یابند راهیافتگان بعد از من.

تنبیه: تقدیم مفعول مفید حصر و اختصاص باشد، پس حدیث شریف دال است بر آنکه وجود مبارک علی علیه السلام علت منحصره در هدایت مهتدین؛ و به عبارت اخری به سبب آن حضرت بعد از پیغمبر هدایت یابند نه غیر؛ پس معترف به چنین حدیثی را زبان انصاف، دادخواهی کند.

ایضا حاکم ابو القاسم حسکانی در شواهد التنزیل از ابی برده اسلمی که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آب وضو خواست و حضرت علی علیه السلام نزد آن سرور بود، پس از وضو دست علی علیه السلام را به سینه خود چسبانید و فرمود: انما انت منذر. و به سینه علی علیه السلام گذاشت و فرمود: و لكل قوم هاد انک مناره الانام و غایه الهدی و امیر القری: و من شهادت دهم تو چنین هستی. در روایات خاصه نیز بسیار است، از جمله تفسیر برهان «۱» بطرق مختلفه و مضامین متحده روایت شده که «منذر» حضرت خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و «هاد» حضرت علی علیه السلام است. در کافی- از حضرت باقر علیه السلام فرمود: «منذر» رسول خدا و برای هر زمانی از ما هادی باشد که هدایت نماید مردم را به آنچه پیغمبر خدا آورده و هادیان بعد از آن حضرت علی علیه السلام و بعد از او اوصیاء هر یک بعد از دیگری. «۱» ایضا فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم: من «منذر» و تو یا علی «هاد» هستی، از ما باشد هادی و نجات و سعادت تا روز قیامت. «۲» تبصره: آیه شریفه اثبات نماید وجود امام را در هر عصری، و زمین از حجت الهی خالی نخواهد بود، و برهان عقلی هم قائم است؛ زیرا امام، علت غائی موجودات، و سبب بقاء ممکنات است. هر زمانی که معلول باقی بود، به برهان «ان» حکم شود به وجود امام. و ایضا امام زمان، قطب دایره امکان است؛ و مدار چرخ، بی محور محال است، و به بقای او دنیا باقی، و به یمن او اعطاء روزی، و بوجود او زمین و آسمان ثابت باشد.

منبع: پایگاه های اطلاع رسانی امام علی سلام الله علیه، تدبیر، حرم حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه، تبیان، تفاسیر و...

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir/>